

تقدیم به فرماندهی گمنامی که
آرزوی شهادت
دردلش شعله می کشید
و به برکت نامش گرد هم آمدیم ...

به شرط عاشقی

شهید مدافع حرم سعید سیاح طاهری به روایت همسر

راوی: هدیه غیبی / نویسنده: رضیه غیبی

فهرست

۷	حرف دل
۹	فصل اول / روزهای دلهره
۴۱	فصل دوم / بهار زندگی
۵۱	فصل سوم / در آغوش دلهره‌ها
۹۱	فصل چهارم / پایان دلهره‌ها
۱۱۷	فصل پنجم / تولد فتنه شوم
۱۴۷	فصل ششم / پرواز به سوی نور
۱۶۱	فصل هفتم / ناگفته‌های دردناک
۱۹۱	فصل هشتم / نوری که تاریک نشد
۲۲۳	آلبوم تصاویر

حرف دل

و خداوند عشق را آفرید و سرلوحهٔ زندگی بشر قرار داد و به او فرمود: بندهٔ من عاشقم شو تا عاشقت شوم.

و چنین شد که انسان‌های والایی دنیا آمدند تا در خلوت‌گاه او عاشقی کنند. در دوران دفاع مقدس به همراه همسر منصور، با «او» و هدیه در خانه‌ای مشترک زندگی می‌کردیم. هر بار که می‌دیدمش، یک صفت در او برجسته بود: متانت و لبخندی که با شوخی عجین بود.

مردی پرصلابت و مصمم بود. حتی برای کارهایی که به ظاهر انجامش غیرممکن بود. مردی که هیچ‌گاه دیگران را پلکان ترقی خود قرار نداد و مقید به امور شرعی و رضای خدا بود. شب‌وروز نمی‌فهمید و عشق به انجام کار در او لبریز بود. دریغ که در شهر آبادان، زادگاهش، او را نفهمیدند و تلاشش را ارج ننهاده‌اند!

گرمای سوزنده و شرعی هوای آبادان که گاهی پوست صورتش را می‌سوزاند و گردو خاکی که نفس را حبس می‌کرد، حتی خیابان‌ها و پیاده‌روها و کوچه‌های شهر می‌دانستند او چقدر پرتلاش است؛ اما دست‌هایی نامحسوس سنگ جلوی پایش می‌انداختند.

بارها وقتی به منزلمان می‌آمد و با منصور، همسرم، حرف می‌زد، دلی پردرد از عملکرد نارقیقان و مسئولان بی‌درد داشت. ای کاش قبل از رفتنش، او را درک می‌کردند و تجلیل‌ها که بعد از شهادتش انجام دادند، آن زمان به صورت همکاری و همراهی با او بود!

او نشان داد که برای رسیدن به معشوق باید عاشق شد و عاشقی کرد و او با شرط عاشقی به وصال رسید.

وقتی آفتاب عمرش با پیوندی عاشقانه در یکی از شهرهای سوریه غروب کرد، سنگ‌فرش‌های آبادان برای همیشه در حسرت بوسیدن قدم‌هایش به جا ماندند.

برای نوشتن این کتاب همسرش هدیه غیبی و برادر بزرگوارش ساسان(علی) سیاح طاهری، هم‌زمانش، رضا صریحی، کاظم فرامرزی، مکی یازع، کاظم برنک، مهرزاد ارشدی و در نهایت محمدحسین فرزند ارشدش و خانمش مرا در تکمیل این کتاب یاری کردند. از همه کمال تشکر را دارم. امیدوارم مقبول خداوند و شهید عزیزمان قرار بگیرد.

رضیه غیبی

تیر ۱۳۸۹

آبادان